

علی اکبر حسینی

سیری در معارف تشیع

بحث از معارف شیعه گستردگی خاصی دارد و بررسی و تحقیق در موضوعات مختلف را می‌طلبد.

از آنجائی که مسأله توحید خالص و ناب و یکتاپرستی ریشه هر مکتب و مذهب حق را تشکیل می‌دهد، هرگونه انحراف و تشبیه، در پیدایش این عقیده می‌تواند به اصل توحید لطمه وارد سازد و یک مکتب توحیدی را به سوی شرک و کفر بکشاند چنان که ثنویت در مکتب زرتشت و تثلیث در مکتب توحیدی آئین عیسی بن مریم (ع) و گرایشهای شرک‌آلود در مکتب یهود و... را دیده‌ایم، احساس این خطر در اسلام و مکتب تشیع نیز می‌شد، چه راههائی برای مبارزه با این نوع انحراف وجود دارد و کلاً قرآن و پیامبر (ص) و ائمه (ع) در این رابطه چه نقشی داشته‌اند.

وباز از آنجائی که برخی از فِرَقِ اسلامی به ویژه پیروان ابن تیمیّه و وهابیت و... شیعه را متهم به غلوّ و اعتقاد به الوهیت امامان کرده‌اند و بارها در کتب خویش آن را علیه شیعه بکار برده‌اند و حتی فرقی بین غلاة که تعداد کمی بودند با بقیه شیعه نمی‌گذارند، و مبارزات مستقیم پیامبر و امامان معصوم (ع) را در این رابطه به کلی نادیده می‌گیرند، لازم دانستیم که نخست به این مسأله و شیوه مبارزات قرآن و پیامبر و سپس ائمه (ع) با این پدیده بپردازیم و به عنوان مقدمه مشکل مبارزه با غلاة را بیان می‌کنیم.

مشکل مبارزه با غلاة

مبارزه با دشمن همیشه آسان‌تر از مبارزه با دوستان نادان و یامدعیان دوستی و محبان افراطی است آگاهی‌های امامان معصوم از یک سو همواره پاسخگوی سؤالات دوست و بیگانه، موافق و مخالف بنحو احسن بودند و حتی سؤالاتی که از طرف حکام و امپراتوران روم برای آزمایش یا به هرجهت دیگر سوی خلفا می‌آمد و چون معمولاً از جوابها عاجز بودند، با ارجاع به امامان(ع) پاسخ دقیق و صحیح دریافت می‌شد، سبب اعجاب می‌گردید.

اطلاع از علوم غیب و بر خورداری از میراث انبیاء و پیامبر اسلام و بروز کراماتی از آنان، خود باعث شگفتی بیشتری می‌گشت رفتار و اعمال فرشته‌خویانه آنان نیز سبب می‌شد که دوستان ناآگاه و پیروان آنان امامان را در مقامی که شایسته انبیاء یا خداست، تصور کنند، از آنان ستایش بی حدّ کرده و یا تمجید و تحسین فوق‌العاده نمایند.

یکی از علل و ریشه‌های پیدایش غلات از همین جاست.

به علاوه انسانها معمولاً از تمجید و تعریف و ستایش خوششان می‌آید و نمی‌خواهند چنان مدّاحان و ستایشگرانی را از خود برانند، نفوذ شاعران و مداحان در زمانهای مختلف تاریخ از همین جا مایه می‌گیرد. حُب ذات نیز خود مشوّق روح تملّق و ستایشگری است، و زمینه‌ای برای پرورش این روحیه حتی تا سرحد الوهیت است و افراد معمولی و انسانهای خودکامه چون نمرودها و فرعونها و خلاصه دیکتاتورها و طاغوتها که خود دارای چنین روحیه‌ای هستند، از همین انگیزه‌ها و خصیصه‌ها بهره می‌گیرند.

علل و انگیزه‌های دیگری در انسانها از جمله حُب جاه و ریاست و... نیز در این‌گونه پدیده‌ها بی‌دخال نیست، عدم شناخت صحیح از پیامبر(ص) و امام(ع) و حتی عدم شناخت صحیح از خدا، تشبیه خدا به خلق، تشبیه خلق به خالق و تناسخ و... و امثال آن نیز در پیدایش غلو بی‌دخال نیست...!

اینجاست که مبارزه با آن دشوار است و انسانهای معمولی یا نمی‌خواهند یا آن در رابطه با خویش مبارزه کنند یا نمی‌توانند!! ولی تربیت یافتگان مکتب وحی و رسالت،

فرزندان نبوت و وارثان رسالت، یعنی امامان معصوم (ع) در عین کمالات والا، بزرگترین فضیلت خویش را عبودیت و بندگی در برابر خالق و پروردگار می دانند.

زیرا خداوند نیز پیامبرش را که افتخار کائنات است و خاتم انبیاء و رُسل می باشد، با صفت عبد ستایش می کند:

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى (اسراء، آیه ۱)
و در مقام تشهد، عبودیت او را مقدم بر رسالت قرار داده است اشهدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

امامان شیعه که شاگرد این مکتب و زاده این پیامبرند، ویژگیهای پیامبر (ص) را دارند و از او الگو می گیرند، به علاوه امامان پرچمدار توحید و یکتاپرستی و پاسداران میراث نبوت و دست آوردهای رسالتند. از هرگونه فکر و اندیشه یا تشبیه و تجسیمی که سبب لطمه زدن به آرمان توحید و یکتاپرستی باشد، یا خدا را در حد بشر پائین آورد و او را هم سطح مخلوق قرار دهد، یا انسانی را تا سرحد الوهیت بالا ببرد، همانند پیامبر (ص) با آن شدیداً مبارزه می کنند.

مبارزه با غلات در همین راستا است، برخورد شدید امامان معصوم با غلات (همانند پیامبر (ص))، عجیب و فوق العاده است متأسفانه اهل سنت که از یک سو محبت شیعه را نسبت به امامان و اعتقاد آنان در رابطه با علم و عصمت آنها و منصوب بودنشان از طرف خدا و برجستگی علمی و اخلاقی امامان (ع) دیده اند، عموماً شیعه را غالی خوانده و پیروان امامان معصوم و مکتب اهل بیت را باغلات یکی دانسته اند و آنان را با حریم غلات، رافضه، و قائلان به الوهیت ائمه (ع) می گویند! حتی محققان و نویسندگان تاریخ و فِرَق اسلامی نیز بدون توجه به مبارزات شدید ائمه با غلات همین تهمت ها و نسبت های ناروا را نسبت به شیعه در کتب خویش آورده اند.^۱

توسل به اولیاء خدا و ائمه هدی و زیارت قبور آنان همانند شرک و بت پرستی می شمارند.

۱- به ملل و نحل شهرستانی ج ۱، ص ۱۷۴ و ۱۷۵ و دیگر کتب ملل و نحل مراجعه شود کتب و هابیت پراست از این نهمتها.

عقائد غلاة

غلات دارای عقائد مخصوصی هستند و عموماً وبه طور کلی دو دسته‌اند:

۱- گروهی که انسانی را تا سرحد الوهیت بالا می‌برند و او را خدا می‌دانند و معتقدند که او باید به جای خدا عبادت و پرستش شود و در واقع او همان خدا است و خدائی جز او نیست!

۲- گروه دیگر صفات خدا و ویژگی‌های خداوند را به انسانی یا انسانهایی نسبت می‌دهند، و نوعی ألوهیت و پروردگاری و خدائی برای او قائل هستند.

به طور کلی غلات عموماً یا از تشبیه یا از حلول و تناسخ سرچشمه می‌گیرند، یا خدا را تشبیه به خلق می‌کنند، یا خلق را تشبیه به خالق می‌نمایند، یهودیان خدا را شبیه خلق دانسته‌اند، و نصاری خلق را تشبیه به خدا کرده‌اند^۱.

شهرستانی در ملل و نحل می‌گوید: همین شبهات در شیعه رسوخ کرده است، و نسبت به امامان خویش غلو کرده‌اند^۲.

این گونه عقائد خواه درباره انسان پاک و معصوم مثل انبیاء و ائمه (ع) باشد یا در باره افراد نالایق، شیاد، حقه باز و ریاست طلب و... مثل نمروها و فرهونهاو... کفر و شرک است و پیروان این دونوع تفکر و عقیده هردو گروه، کافر و مشرکند و از مرز توحید و یکتاپرستی خارجند و نوعی بت پرست می‌باشند.

مبارزات قرآن با این نوع تفکر

از آنجائی که این خطر و انحراف همیشه وجود داشته مخصوصاً درباره انبیاء که آنان را از طرف خدا و پیامبر اسلام (ص) را نیز از طرف خدا می‌دانستند، و ائمه معصوم خود را جانشینان منصوب از طرف پیامبر (ص) معرفی می‌کردند، خطر بالقوه و به صورت جدی‌تر برای جامعه اسلامی و پیروان ائمه جلوه می‌کند به همین جهت هم قرآن و هم پیامبر اسلام (ص) و هم ائمه معصومین (ع) ما به طور جدی و با شدت با این تفکر و پدیده

۱- ملل و نحل شهرستانی، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲- مدرک قبل.

انحرافی مبارزه کرده‌اند که نمونه‌هایی از آن را در این بحث خواهیم دید، نخست به سراغ قرآن می‌رویم:

قرآن علاوه بر نکوهش کفر و شرک در سطح وسیع، اثبات توحید و یکتاپرستی و طرد خدایان باطل، در آیات بسیار: از غلو و پذیرش انسان به عنوان معبود و خدا شدیداً نهی می‌کند.

۱ - یهود را سرزنش می‌کند که چرا گفتند: عَزَّیْرُ پسر خدا است قَالَتِ الْيَهُودُ عَزَّیْرُ بْنُ اللَّهِ^۱.

۲ - با همین لحن ملامتبار، نصاری و مسیحیت را محکوم می‌کند که چرا گفتند: مسیح پسر خدا است وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ مَسِيحُ بْنُ اللَّهِ^۲

۳ - سپس می‌گوید: فَقَدْ كَفَرُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ بْنُ مَرْيَمَ^۳ به تحقیق کافر شدند کسانی که گفتند خداوند همان مسیح ابن مریم است و باز همین لحن کوبنده را در آیه ۷۵ مائده نیز تکرار می‌کند.

۴ - آن‌گاه برای تخطئه پیروان الوهیت مسیح می‌گوید: مسیح هرگز استنکاف ندارد از این که بنده خدا باشد.

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ^۴.

۵ - عیسی را مورد خطاب و سؤال قرار می‌دهد که آیا توبه مردم گفتی که مرا و مادرم را به جای خدا برای خود معبود بگیرید؟ و خدا قرار دهید؟ عیسی (ع) در پاسخ می‌گوید: منزّه است خدا، هرگز شایسته نیست که من چیزی بگویم که حق من نیست و من لایق و شایسته آن نمی‌باشم و اگر گفته بودم تو می‌دانستی^۵.

۶ - بارها قرآن یهود و نصاری را درباره غلو و پذیرش مقام ربوبیت و پروردگاری

۱ - سورة توبه، آیه ۳۰.

۲ - توبه، آیه ۳۰.

۳ - مائده، آیه ۱۷.

۴ - سورة نساء، آیه ۱۷.

۵ - إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ بْنُ مَرْيَمَ أَلَمْ تَقُلْ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ؟ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ (مائده، آیه ۱۱۶).

برای علماء و دانشمندان آنان نکوهش کرده است که از جمله:

إِتَّخَذُوا أَخْبَارَهُمْ وَ رَهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحُ بْنُ مَرْيَمَ: آنان احبار و رهبانان شان و مسیح بن مریم را به جای پروردگار و خدای خویش، خدا و پروردگار گرفته اند.
۷ - سرانجام برای محکوم ساختن غلو می گوید: لَا تَقُولُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ^۱. در دین خویش غلو نکنید و چیزی جز حق درباره خداوند نگوئید.

۸ - در موارد زیادی قرآن از زبان پیامبر(ص) او را به عنوان بشری همانند مردم یا بشری که رسول خدا است، یاد می کند.

مثل: إِنْ هُوَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْتِيهِمُ الرِّسَالُ بَشَرًا مِثْلُكُمْ يَأْتِيهِمُ الرِّسَالُ بَشَرًا مِثْلُكُمْ (سوره اسراء، آیه

۹۳).

یا با تعبیرات دیگری علاوه بر آنچه گفته شد مثلاً با لحن به ظاهر توبیخ برای پیامبر معصوم از گناه و خطاء مثل لِيَغْفِرَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ گناهان گذشته و آینده را می آمرزد. یا آیه عَفَى اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَبْتَ لَهُمْ و... خدا ببخشد ترا چرا به آنان اجازه دادی؟ با توجه به نکات تفسیری این آیات و شأن نزولهای آن، می توان گفت که قرآن می خواهد ذهن و افکار مردم را به مخلوق بودن این شخصیت های بزرگ سوق دهد و از پیدایش غلو و افکار انحرافی الوهیت درباره پیامبر(ص) جلوگیری کند و از غلو در باره پیامبر و غالیگری که کفر و شرک است، پیش گیری نماید!

ادامه دارد

۱ - سوره توبه، آیه ۳۱.

۲ - سوره اسراء، آیه ۲۶ علی(ع) در ذیل این آیه فرمود: اللهم انی بری من الغلاة کبرائة عیسی بن مریم من النصاری خدا یا من از غلات بیزارم همانند بیزاری عیسی بن مریم از نصاری (بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۶۶).